

واکاوی افراط‌گرایی دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در مهار آن

فرهاد رمضان زاده

سید ابراهیم میر شاه جعفری

چکیده

هدف اصلی این پژوهش واکاوی افراط‌گرایی دینی و نقش تعلیم و تربیت اسلامی در مهار آن می‌باشد. ابزار پژوهش شامل تمامی اسناد و مدارکی است که در رابطه با افراط‌گرایی دینی و شیوه استفاده از آموزش‌های دینی در شکل‌گیری افراط‌گرایی وجود دارد، می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل در پژوهش حاضر تحلیل مضمون است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی عبارتند از: اعمال خشونت علیه مخالفان یا دگراندیشان، کافر پنداشتن مخالفان، شرکت در بحث‌های افراط‌گرایانه و ترور شخصیت، ایجاد وحشت در جامعه با ترور افراد، بمب‌گذاری و حمله به اماکن عمومی، ایجاد محدودیت در جامعه بدون در نظر گرفتن شرایط عمومی و حدود دین. همچنین مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در مهار افراط‌گرایی عبارتند از: تعلیم و تربیت صحیح کودکان از ابتدا و قرارداد آنها در مسیر درست دین، آموزش آموزه‌های اسلامی و روش تساهل و تسامح در سیره‌ی اهل بیت (ع)، آشنایی با تعالیم عرفانی و مثبت‌اندیشی و محبت به غیر، برجسته‌کردن حوادث تلخ تاریخی ناشی از افراط‌گرایی، عدم سخت‌گیری حکومت‌های اسلامی در احکام دینی، گرایش کشورهای اسلامی به مؤلفه‌هایی چون وحدت، عشق، نوع دوستی، ایجاد تمایل در نسل جوان برای مطالعه در زمینه‌های مختلف و شناخت همه‌جانبه نسبت به دین و سیاست.

کلید واژگان: افراط‌گرایی دینی، تعلیم و تربیت، کشورهای اسلامی، تحلیل محتوای کیفی.

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مفتاح شهر ری. farhad.ramezanzadeh@yahoo.com

jafari@edu.ui.ac.ir

^۲ دکترای علوم تربیتی، استاد دانشگاه اصفهان و دانشگاه آزاد اصفهان.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۰

۱. مقدمه

موضوع تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی در صدر موضوعات مهم بین‌المللی و منطقه‌ای در دوران معاصر است. فعالیت‌های تروریستی منسوب به گروه‌های افراطی مثل سازمان القاعده و یا گروه‌های همسو با القاعده که پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر و لشکرکشی ایالات متحده آمریکا و متحدان آن به کشورهایمانند افغانستان و عراق در جریان است، درگیری‌های خونین داخلی در کشورهایی مانند پاکستان، عراق و اخیراً برخی حملات تروریستی علیه شهروندان بی‌گناه ایرانی در خاک عراق و یا شهرهای مرزی ایران، از مهمترین مسائلی است که در صدر اخبار منطقه خاورمیانه و به‌ویژه کشورهای اسلامی قرار داشته و دارد. بدون تردید، گسترش تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، به‌عنوان پدیده‌ی پیچیده‌ی دوران معاصر، علل و عوامل خود را دارد که در آثار و تألیفات متعدد مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۵). گروه‌های افراط‌گرای دینی نیز برای پیشبرد اهداف خود عمدتاً از احکام مربوط به جهاد استفاده می‌کنند. در این بین، روشن‌سازی و آگاهی‌بخشی گروه‌ها می‌تواند نقش جدی در مهار افراط‌گرایی داشته باشد. به عبارت دیگر از آنجا که برخی تروریست‌ها و افراط‌گرایان مذهبی، برای مشروعیت‌بخشی به رفتارهای خود و یا جلب حمایت و پشتیبانی مسلمانان، آموزه‌های اسلامی به‌ویژه احکام مرتبط با جهاد و یا نصوص مربوط به مبارزه با مظاهر فساد را محمل شرعی رفتار خود قرار می‌دهند (آقابابایی، ۱۳۹۰: ۱۸۵)، می‌توان از طریق تربیت خردورز و اعتدال در روش‌های زندگی آنها، این پدیده را کنترل کرد. به هر حال به نظر می‌رسد که امروزه جوامع در تربیت دینی نسل‌ها، دچار اشتباهات فاحش شده‌اند؛ این را می‌توان ردپایی از افراطی‌گرایی دینی دانست که نه تنها کشورهای اسلامی که کشورهای توسعه یافته غربی نیز روزانه از این پدیده رنگ می‌گیرند یا رنگ می‌بازد. پس از جنگ دوم جهانی در نیمه قرن بیستم، مبارزه با افراط‌گرایی پرهزینه‌ترین و پرتلفات‌ترین جنگ فرسایشی است که از شرق آسیا تا شمال و مرکز آفریقا امتداد یافته است. بهانه‌ی این جنگ هم مبارزه با افراط‌گرایی است که بزرگترین تهدید جهان پیشرفته امروز به حساب می‌آید، تهدیدی که در نزدش؛ همه، غیرخودش، بیگانه و دشمن شناخته می‌شوند و باید ناپود و سرکوب شوند. اما این افراط‌گرایی، حتی دینی‌ترینش، بیشتر انگیزه و محرک غیردینی و سیاسی - اجتماعی دارد تا رنگ دینی و لذا مستلزم کندوکاو دقیق‌تر و همه‌جانبه از ابعاد سیاسی اجتماعی و اقتصادی است (کاوه، ۱۳۹۳: ۱۵). از طرف دیگر بسیاری از پژوهشگران در حوزه‌ی افراط‌گرایی دینی همچون (Rashid, Nasr (2000) و (Varnk (2009) یکی از راه‌های ترویج افراط‌گرایی را شیوه‌های تربیتی در این گروه‌های مذهبی تندرو می‌دانند و گرچه معتقدند ممکن است در پشت افراط‌گرایی دینی عوامل متعدد سیاسی، منطقه‌ای یا اجتماعی نهفته باشد، اما یکی از راه‌های آماده‌سازی طرفداران خود برای افراطی‌گری، شیوه‌های تربیتی است که در برخی از مؤسسات

۳. Religious Radicalism

آموزشی دینی به فراگیران ارائه می‌شود. به عنوان مثال وارنک معتقد است که آموزشگاه‌هایی تحت عنوان مکتب (مدرسه) در افغانستان و پاکستان که با حمایت مالی کشورهای آخاورمیانه مثل عربستان سعودی و کویت به خصوص بعد از دهه ۱۹۸۰ تأسیس و تغذیه می‌شوند، نقش چشم‌گیری را شکل‌دهی و تقویت افراط‌گرایی در منطقه و گسترش آن به کشورهای جنوب شرق آسیا داشته‌اند (Varnk, 2009: 112)، از این جهت است که تبیین افراط‌گرایی دینی و همچنین نقش تربیت اسلامی در مهار آن اهمیت می‌یابد. بر این اساس پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن تبیین مفهوم افراط‌گرایی دینی و عوامل مؤثر بر آن، نقش تربیت اسلامی را در مهار این پدیده مورد بررسی قرار داده و در نهایت عناصر مطلوب آموزش‌های دینی برای مهار افراط‌گرایی دینی را ارائه دهد. از نظر فلسفه و پارادایم حاکم بر پژوهش حاضر، این پژوهش را می‌توان جزء پژوهش‌های کیفی و در پارادایم سازنده‌گرایی - تفسیری قرار داد. هدف پژوهش، کاربردی است که از طریق تعیین مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی و تدوین عناصر تربیت مطلوب برای مهار آن، مؤلفه‌های ضروری این نوع تربیت را به دست‌اندرکاران تربیتی ارائه می‌گردد. از لحاظ نوع داده‌های پژوهش، می‌توان آن را جزء داده‌های کیفی قلمداد کرد که از طریق ارائه‌ی آن در قالب مقولات کیفی استخراج شده است. از نظر اجرا می‌توان گفت که فرایند زیر برای روش حاضر صورت خواهد گرفت: در مرحله اول پژوهش، پژوهشگر به جستجوی گسترده ادبیات مربوط به افراط‌گرایی دینی پرداخته و تمام منابع اسناد و مدارک منتشر شده در این زمینه را جمع‌آوری کرده است. سپس بر مبنای این ادبیات نظری، ضمن تعیین مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی، علل و عوامل افراط‌گرایی دینی در اسلام را تبیین و در مرحله بعد نیز شیوه‌ی بکارگیری آموزش‌های دینی که باعث افراط‌گرایی دینی شده را تبیین و در آخرین مرحله پژوهش؛ با توجه به موارد فوق، الگوی مدون از تربیت مطلوب دینی جهت مهار افراط‌گرایی دینی را ارائه می‌گردد. به منظور جمع‌آوری پژوهش‌های مرتبط با پژوهش حاضر، از مجلات علمی و کتاب‌ها و دایرةالمعارف‌های مرتبط استفاده شد. به منظور جمع‌آوری پژوهش‌ها از واژه‌های افراط‌گرایی، افراط‌گرایی دینی، تربیت اسلامی و تربیت دینی در سایت‌های علمی همچون مگیران، جهاد دانشگاهی، گوگل اسکولار و ساینس دایرکت استفاده گردید. روش پژوهش حاضر از نوع تحلیل محتوای کیفی (کتابخانه‌ای) است. تحلیل محتوای کیفی به‌عنوان یکی از روش‌های پژوهش کیفی به حساب می‌آید. تحلیل محتوا به صورت ساده، بررسی و تحلیل پیام‌های گفتاری و نوشتاری است که در علوم تربیتی بیشتر تحلیل متون درسی مدنظر قرار گرفته است. با نگاهی به تحقیقات منتشر شده در مجلات تربیتی و اجتماعی آشکارا روند رو به رشد این روش پژوهشی در تحقیقات را مشاهده می‌گردد.

^۴ Madraseh

^۵ Google scholar

^۶ Sciencedirect

روش تحلیل محتوا به معنی بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌باشد (Wilkinson, & Birmingham, 2003: 68) به‌طور کلی می‌توان دو رویکرد تحلیل محتوا را بر شمرد: کمی و کیفی. در روش تحلیل محتوای کیفی که پژوهش حاضر بر آن مبتنی است سعی می‌شود از طریق بیرون کشیدن مقولات و استخراج آنها در قالب داده‌های کیفی نتایج را ارائه داد (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲). بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shannon, 2005: 17). تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد، اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه‌ی ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. عینیت نتایج به وسیله وجود یک فرایند کدگذاری نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۴). جامعه آماری پژوهش شامل پژوهش‌ها و اسناد موجود مرتبط با حوزه‌های افراط‌گرایی، افراط‌گرایی دینی، تربیت اسلامی و تربیت دینی در سایت‌های علمی همچون مگیران، جهاد دانشگاهی، گوگل اسکولار و ساینس دایرکت در قالب مقالات علمی و کتاب‌ها و دایرةالمعارف‌ها می‌باشد. نمونه آماری نیز همان پژوهش شامل پژوهش‌ها و اسناد موجود مرتبط با حوزه‌های افراط‌گرایی، افراط‌گرایی دینی، تربیت اسلامی و تربیت دینی می‌باشد که تا رسیدن به اشباع نظری و استخراج مقوله‌های افراط‌گرایی دینی ادامه یافته است. ابزار پژوهش در مطالعه‌ی حاضر شامل تمامی اسناد و مدارکی است که در رابطه با افراط‌گرایی دینی و شیوه‌ی استفاده از آموزش‌های دینی در شکل‌گیری افراط‌گرایی وجود دارد (از طریق فیش‌برداری)، می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل در پژوهش حاضر تحلیل مضمون است، در این روش از طریق تحلیل متون مورد نظر به صورت استقرائی، مؤلفه‌های تربیت مطلوب به منظور مهار افراط‌گرایی دینی تدوین می‌گردد.

۲. بحث

با توجه به روش کیفی و تحلیل تاریخی که در پژوهش به کار رفته است، بسیاری از فرقه‌ها و نحله‌ها و عملکردهای آنان را بررسی و با پیگیری روند تاریخی مشخص گردید که افراط‌گرایی دینی از همان ابتدا در ادیان به صورت تفکرات متعصبانه وجود داشته است به‌طوری که با مخالفان به شکل فجیعی رفتار می‌شده و کسی حق اظهارنظری غیر از آنچه دین‌مداران می‌خواستند نداشت. در قرون وسطی حاکمیت مطلق کلیسا مانع ابراز عقیده سایرین بوده و خشونت‌هایی در این رابطه بکار برده است. در صدر اسلام نیز فرقه‌های مختلف بر سر مسایل کلامی با هم اختلافاتی داشتند که منجر به جنگ و کشتار می‌شد. این اختلافات بر سر مذهب در طول تاریخ، میان ملت‌ها یا حکومت‌ها ادامه یافته و در دنیای کنونی نیز به همان شیوه‌ی ظهور فرقه‌های تازه و ادعای بنیادگرایی، موجبات جنگ افروزی را در دنیا به وجود آورده است و ابرقدرت‌ها نیز به دلایل سیاسی و اقتصادی به آن دامن می‌زنند. مؤلفه‌هایی که در اینجا ذکر

می‌گردد از لابلای تاریخ گذشته با توجه به نوشته‌های تاریخی و در دوره معاصر با نگرش عینی رفتارهای تهاجمی استخراج گردیده است.

۲،۱. مؤلفه‌های افراط‌گرایی دینی

۲،۱،۱. اعمال خشونت علیه مخالفان یا دگراندیشان

خشونت‌گرایان برای رسیدن به اهداف خود، به ترور شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی حامی دولت اقدام می‌کنند. افرادی چون عزالدین سلیم، رئیس پیشین شورای حکومتی عراق، عقیده هاشمی عضو این شورا و معاون وزیر خارجه‌ی دولت انتقالی جعفری، ترور آیت‌الله حکیم و بخش دیگر ترورها متوجه نیروهای درجه دوم، به ویژه نیروهای پلیس، روحانیون سرشناس شیعه و سنی، برخی اساتید دانشگاه بغداد، برخی اعضای کابینه دولت عراق به نخست‌وزیری نوری المالکی تجار و بازرگانان حامی دولت عراق و...، خشونت‌گرایان اسلامی رادیکال، به دلیل پیروی از قشری‌گری و سطحی‌نگری در مسائل اجتماعی - سیاسی، دائماً در بازه‌ی تولید تعریف خود غیریت‌سازی می‌کنند و پس از غیریت‌سازی خصمانه وجه سیاسی برای آن می‌تراشند و از رابطه‌ی تضاد و تقابل که نوعی بینش و منش حذف فیزیکی است، استفاده می‌برند. برای آنان فرقی نمی‌کند که در غیریت‌سازی نیروهای اشغالگر، بیگانه باشد یا مردم مسلمان شیعه عراق یا اهل سنت مخالف خشونت‌گرایی. در قوه‌ی مخیله آنان، حربه‌ی تکفیر با بهانه‌ای واهی، تنها ابزاری کاربردی برای حذف رقیب است. حریف عقیدتی، فرهنگی خود را به یک حریف سیاسی ستیزه‌جو تبدیل می‌کند تا بتواند در حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های منفی خود که پنداری بیش نیست، جان و حیثیت خود را فدا کند. به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان جهان در اسلام جهاد وقتی واجب می‌شود که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرد. جهاد همچنین دارای قواعد خاص خود از جمله عدم کشتار غیرنظامیان است. تکفیری‌ها به هیچ‌کدام از این قواعد پایبند نیستند و کشتار مردم بی‌گناه را نیز مجاز می‌دانند.

۲،۱،۲. کافر پنداشتن مخالفان

از دوران صدر اسلام، گروه‌هایی مثل خوارج، دیگران را خارج از دین دانسته تنها خود را محق می‌شمردند. در دوره‌ی معاصر نیز افراط‌گرایان دارای چنین عقیده‌ای هستند، آنها به خودشان اجازه می‌دهند که علیه مسلمانان دیگر نیز در صورتی که اعمال آنها مورد قبول نباشد به‌عنوان کافر و مرتد اعلام جنگ دهند چه رسد به غیرمسلمانان، آنها غیرمسلمانان را به‌عنوان کفار فقط شایسته‌ی مرگ می‌دانند. اسلام سنتی حاکمان مشروع خاص خود را دارد که فقط باید مخالف شریعت نباشند. تکفیری‌ها هر صاحب اقتدار سیاسی را که از عقاید آنها پیروی نکند نامشروع و قتل او را واجب می‌دانند.

۲،۱،۳. شرکت در بحث‌های افراط‌گرایانه و ترور شخصیت

این گروه‌ها با عقاید افراط‌گرایانه‌ی خود با افراد مختلف بحث کرده و دگراندیشان را به کلی خارج از دین می‌دانند. از این جهت شخصیت‌های غیرموافق با عقاید آنان در معرض ترور و تهدید و تکفیر قرار می‌گیرند.

۲.۱.۴. ایجاد رعب و وحشت در جامعه با ترور افراد، بمب‌گذاری و حمله به اماکن عمومی

پیدایی افراط‌گرایی اسلامی و کنش‌هایی مانند عملیات انتحاری و حملات تروریستی و... از مهمترین دگرگونی‌های اسلام‌گرایی بوده که اینک به جریانی پر بسامد در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی بدل شده است. تشدید گرایش‌های سلفی و اقدامات افراطی مباحث نظری درباره اسلام سیاسی و ابعاد و ارزش‌های آن را بیش از گذشته دچار پریشانی مفهومی کرده است. در واقع متناظر با فرایند اجتماعی مبتنی بر اسلام‌هراسی در سطح مطالعاتی نیز اسلام و اسلام سیاسی با تمام تکثیر معرفتی، فقهی، فلسفی، رفتاری و... به جماعت سلفی افراطی فرو کاشته می‌شود. درحالی که اسلام سیاسی و حتی جریان سلفی دارای انواع و گوناگونی فراوانی هستند که ناشی از ریشه‌های تاریخی و مبانی هنجاری متفاوت در درون آنهاست.

۲.۱.۵. ایجاد محدودیت در جامعه بدون در نظر گرفتن شرایط عمومی و حدود دین

اگر عوامل تکفیری و افراط‌گرا حکومت را در دست داشته باشند قوانینی وضع می‌کنند که اجرای آن برای بسیاری از افراد مشکل خواهد بود. چنانکه می‌بینیم در کشورهایمانند عربستان، محدودیت‌های فراوانی برای زنان ایجاد شده است و برای مثال رانندگی زنان و درس خواندن آنها و حضور در سیاست برایشان امکان‌پذیر نیست. افراط‌گرایی منحصر به این موارد نبوده است و با دقت در قوانین طالبان در افغانستان نیز وضعیت اسفبار مسلمانان را مشاهده می‌کنیم که اجرای حکم محکومین بدون محاکمه و بدون مراجعه به حکم تعذیری و شدت و ضعف قانونی آن انجام می‌گیرد. محدودیت قائل‌شدن برای نوع پوشش، رنگ‌های خاص، حضور در مجامع ورزشی، اختلاط زن و مرد در مجامع عمومی حتی با حجاب کامل از موارد این نوع افراط‌گرایی محسوب می‌شود.

۲.۲. عوامل مؤثر بر افراط‌گرایی دینی در کشورهای اسلامی

برای پاسخ به این پرسش، به بررسی اعتقادات درونی افراط‌گرایان و همچنین مطالعه تاریخی دلایل افراط‌گرایی و رشد آن پرداخته شده است. در این روش اتکا به عقل و تحلیل آگاهانه و روان‌شناختی عملکرد افراد موردنظر بوده است. از آنجا که این افراد خود را وابسته به دین می‌دانند ریشه‌های اعمال آنها را باید در متون دینی و نقلی دنبال کرد. از سویی روند تاریخی نشان می‌دهد همواره افرادی با سوء استفاده از دین، سعی در حمایت از جریان افراط‌گرایی داشته، بدون اعتقاد به دین، برای رسیدن به اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود، از این جریانات حمایت کرده یا خود بانی آن بوده‌اند. از این‌رو در این بخش مؤلفه‌های متفاوتی یافت شد که برخی اعتقادی درونی و برخی مبتنی بر سیاست است.

۲،۲،۱. بنیادگرایی و جزم‌اندیشی صرف

با بررسی عملکرد و تفکرات گروه‌های تکفیری متوجه می‌شویم که اندیشه‌ی اصلی آنها بنیادگرایی و جزم‌اندیشی است بدون ذره‌ای انحراف از اصولی که به آن باور دارند. بنیادهای ایجاد شده در ذهن و فکر آنها از اصول دین، قابل تغییر نیست. این افراد با تکیه بر اصل جهاد به‌عنوان یکی از قوانین تغییرناپذیر اسلام معتقدند در تمام زمان‌ها و مکان‌ها شرایط جهاد وجود دارد و تا زمانی که زمین از وجود کفار پاک نشده باید جهاد کرد.

از نظر بنیادگرایان اسلامی سکولاریسم یک انحراف از اصل و قاعده است و بازگشت به اصول و بنیادهای دینی مطابق جامعه اسلامی نخستین زمان پیامبر و خلفای چهارگانه یا خلفای راشدین بازگشت به اصل و قاعده است. ویژگی‌های مشترک جریان‌های بنیادگرا عبارتند از تأکید بر عدم جدایی دین از سیاست، تأکید بر قرآن و سنت پیامبر، صحابه و نیز خلفای راشدین، فراتر رفتن از ارکان پنجگانه‌ی اسلام، و تأکید بر اصل جهاد به‌عنوان رکن ششم اسلام و تأکید بر برقراری عدالت اجتماعی.

۲،۲،۲. نص‌گرایی بدون توجه به سیره و روایات

یکی از دلایل افراط‌گرایی توجه صرف به نص قرآن و عدم توجه به متشابهات و شأن نزول آیات است. نص‌گرایی از قرون اولیه هجری رواج پیدا کرده و به افراط‌گرایان معاصر رسیده است. اینان آیات قرآن را با تفسیر به رأی بدون توجه به شرایط جامعه و پذیرش جمعی ملاک عمل می‌دانند و کوچکترین انحراف از آن را موجب شرک و کفر می‌شمارند. به این ترتیب با توجه به فرقه‌های مختلف که هر یک دارای روش خاص تفسیر هستند عقاید مختلفی بروز می‌کند و هر یک، دیگری را نفی می‌کند. چنین می‌شود که در جوامع کنونی به جای وحدت دنیای اسلام، تفرقه و اختلاف بسیار به چشم می‌خورد. نص‌گرایی مختص مسلمانان نیست بلکه در میان مسیحیان نیز افراط‌گرایان به این وسیله متشبه شده، با ترفیع مقام علمای دینی خود تا حد مسیح، اطاعت بی‌قید و شرط از آنها را که نمونه‌ای نص محسوب می‌شد فرض شمردند. رویکرد نص‌گرایانه به متون مقدس و تمایل به گرایش‌های خشونت‌طلبانه در پوشش آموزه‌های دینی از جمله عناصر مشترک میان مسیحیت و یهود به شمار می‌ورد. هر چند عوامل متعددی نظیر انگیزه‌های سیاسی فرهنگی، قومیتی و... در افراط‌گرایی مذهبی و اعمال خشونت در دو طیف بنیادگرای مسیحی و سلفیه اسلامی نقش برجسته‌ای دارد. گرایش‌های جنگ افروزانه و ستیزه‌جویانه بنیادگرایان مسیحی محصول هم‌افزایی پیوند مبانی عقیدتی بنیادگرایی و سلطه‌طلبی سیاسی است که بر اثر نگرش‌های خاص موعودگرایانه توسط کشورهای همچون ایالات متحده آمریکا ادامه می‌یابد. حمایت تمام عیار این جریان از رژیم صهیونیستی و تحمیل جنگ‌های متعدد در دهه‌های اخیر را که با هدف اختلاف میان مسلمانان و تقویت جبهه اسرائیل انجام پذیرفته است می‌توان ناشی از باور به لزوم تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس در قاموس عقیدتی بنیادگرایی مسیحی برشمرد.

این رویکرد که امروزه بیشتر با عناوینی چون صهیونیسم مسیحی شناخته می‌شود با رویکرد نص‌گرایانه خود به کتاب مقدس بر بازگشت‌گرایی یهودیان به سرزمین موعود و تحکیم نفوذ اسرائیل در جهان به‌عنوان یکی از مقدمات لازم برای شکل‌گیری حکومت مسیحایی تأکید می‌ورزد.

۲،۲،۳. عدم آشنایی افراط‌گرایان با اسلام اصیل

افراط‌گرایان غالباً پیرو سران خود هستند و از اسلام و اصول آن بی‌اطلاعند چنانکه در پاسخگویی به دلیل کشتارهای خود دلایل منطقی ارائه نمی‌دهند و عملکرد خود را ارجاع به رهبران و خواسته آنها می‌دهند. همان‌طور که نخبگان القاعده و گروه‌های خشونت‌گرا، چون تعاریف جعلی جدیدی از جهان معاصر و انسان عرضه می‌کنند، هرگاه پیروانی بیابند که به تعریف عرضه شده، متعهد باشند یک جنبش اجتماعی هرچند منحرف پدید می‌آید که به نظام اعتقادی واحدی معتقد بوده و معمولاً در شرایط تهی‌شدن زندگی از معنا، در زمینه‌ای از نارضایتی نسبت به محیط پیرامون پدید می‌آید و این نخبگان، دست به بسیج پیروان می‌زنند. میان پیروان و نخبگان خشونت‌گرا ارادت از نوع کنش عاطفی - ارزشی است. وجه مهم اندیشه کاریزما در آثار و بر تجدید سنت است. در این میان افرادی که ریشه‌ی خشونت در آنها موجود است و استعداد مبارزه با نوع انسان به دلایل مذهبی را دارند به این گروه‌ها مایل شده، کورکورانه به اطاعت و عملیات تروریستی دست می‌زنند و کشته‌شدن در راه این اهداف را شهادت فرض می‌کنند.

۲،۲،۴. قدرت‌طلبی کشورهای غربی و فریب‌دادن مسلمانان برای ایجاد آشوب تحت لوای دین

دین از جمله اسباب وحدت و یکی‌شدن آراء ملت‌ها در مبارزه با استعمار و تحدید بازار اقتصادی غرب است. قدرتمندانی که از این وحدت دچار غبن می‌شوند همواره در پشت پرده مشغول توطئه‌چینی برای از هم پاشیدن قوای مذهبی بوده، ملت‌های مسلمان و دنیای مسیحیت را به‌طور محسوس اداره می‌کنند. بیشترین منفعت در جنگ‌های منطقه‌ای برای قدرتمندان به وجود می‌آید که دلیل آن فروش سلاح و توسعه بازار اقتصادی تسلیحاتی غرب است. بحث سلفی‌ها بحث فقیر و غنی نیست، بحث آنها این نیست که یک عده‌ای محروم هستند و باید شکمشان سیر شود. چنان که بحث آنها آزادی و استقلال هم نیست. بحث آنها مسأله جهاد با دشمن است. البته تعریف دشمن در این جمله و تعیین مصادیق آن متفاوت است.

اینکه مسأله اصلی سلفی‌ها، جهاد است، به دلیل این است که زاد و بوم آن در افغانستان بوده، آن هم زمانی که جنگ علیه روس‌ها در جریان بوده است. بعد از آن سعودی بوده که مرکز تسلط آمریکا در منطقه و محل پایگاه‌های آمریکا در این کشور است. دولتی که وابسته به آمریکاست. در چنین شرایطی القاعده و سلفیه جهادی رشد کرده و از دایره‌ی یک اعتقاد به یک ایدئولوژی سیاسی تبدیل شده است. بعداً هم در یمن یا هر نقطه دیگر، هدفش مبارزه با خارجی‌ها و وابستگان به خارجی‌ها بوده است. سعودی‌ها با فشار امنیتی و احتمالاً قول و قرارهای زیاد با سران القاعده، توانستند آنها را قانع کنند تا در سعودی دست به اقدامی نزنند.

اما حرکت آنها حتی در مناطق تحت سلطه روس یا چین هم، همین بحث بوده است. نفوذ سلفی‌گری در اروپا بیشتر برای کمک به سلفی‌های جهادی عرب یا افغانی و غیره بوده است نه اینکه در آنجا مسأله‌ای وجود داشته است. در مجموع، پیدایش سلفی‌گری، در چهارچوب این شرایط بوده و تا وقتی که تسلط غرب و نوع مداخلات آن به همین شکل ادامه داشته باشد، القاعده، فلسفه وجودی خواهد داشت، هرچند افراط بیش از حد در آن، آن را دچار بحران خواهد کرد. همچنان که واکنش انگلیس در برابر بیداری سیاسی افغانان کمک آن به بنیادگذاری حکومتی نیرومند و سخت‌خودکامه در افغانستان بود تا از رهگذر از میان بردن همه‌گونه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در آن کشور بهتر بتواند به خواست‌های استعماری خویش دست بیابد.

۲،۲،۵. اختلاف‌نظر در باب ویژگی‌های حکومت اسلامی

در واقع مفهوم اسلام سیاسی محصول تفاوت نهادن میان اسلام به عنوان هویت و اسلام به عنوان مذهب و اسلام به مثابه ایدئولوژی سیاسی است (Kaks & Marks, 2003: 5). به همین علت «جان اسپوزیتو» نیز مفهوم اسلام سیاسی را در عام‌ترین شکل آن یعنی «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی» تعریف می‌کند (انصاری‌پور، ۱۳۸۶: ۶). زمانی که حکومت بر اساس دین تشکیل می‌شود اگر سردمداران حکومت افرادی افراط‌گرا باشند دین تبدیل می‌شود به عامل سیاسی برای سرکوب مخالفان. این روند با تشدید قدرت‌طلبی و توجیه عملکرد دولت‌ها بر اساس مصالح، به وضع قوانینی می‌انجامد که به زیان مخالفان این حکام خواهد بود و در نتیجه تنش‌هایی به وجود خواهد آورد که به خشونت می‌گراید.

۲،۲،۶. بحران هویت

منطقه خاورمیانه به دلیل ویژگی‌های تاریخی خود از جمله عدم وجود دموکراسی، حضور حکومت‌های اقتدارگرا، دولت‌های شکست خورده، چالش‌های دولت‌سازی و ملت‌سازی، وجود فقر، بی‌سوادی و به‌طور کلی عدم توسعه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و مداخلات قدرت‌های خارجی از جمله ترسیم نقشه‌های سیاسی ساختگی، هدایت کودتاها و متوقف کردن روند دموکراسی‌سازی، وابسته کردن امنیتی حکومت‌ها، تحمیل سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی وابسته، هدایت جنگ‌ها و... از وجود جوّ بی‌اعتمادی و سوءظن و احساس تهدید دولت‌ها و ملت‌ها از یکدیگر رنج می‌برد. در حال حاضر این بی‌اعتمادی در سه سطح وجود دارد: نخست در سطح ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، از جمله شیعه و سنی، ترک و کرد، فارس و عرب، دوم در سطح روابط میان دولت‌ها و ملت‌های منطقه که به نوعی به بی‌اعتمادی و عدم مشروعیت دولت‌ها در نزد ملت‌ها برمی‌گردد و سوم در سطح روابط دولت‌های منطقه به نوعی که کمتر می‌توان دو دولت دوست و متحد در سطح منطقه پیدا کرد. بنابراین شرایط و ویژگی‌های منطقه خاورمیانه به‌گونه‌ای است که بسترها و زمینه‌های لازم را برای گسترش تروریسم جدید فراهم کرده است.

۲.۳. مؤلفه‌های تعلیم و تربیت مطلوب در مهار افراط‌گرایی

برای پاسخ به این پرسش، علاوه بر روش کتابخانه‌ای و تحلیل تاریخ، از روش عقل‌گرایی به همراه تحلیل رفتاری و شخصیتی استفاده شده است. در این روش با استفاده از سیره‌ی پیامبر و ائمه و رفتار مسلمانان صدر اسلام، متوجه شدیم که جنبه‌های افراط‌گرایانه در این دوران کم‌رنگ‌تر بوده و حمایتی از سوی بزرگان دین انجام نگرفته است. از سویی در اسلام به تعلیم و تربیت اهمیت فراوان داده شده و در متون ادبی نیز به اصلاح و تربیت در دوران کودکی اهمیت فراوان داده شده است. بنابراین بینش عقل‌گرایانه در این مسیر راهنما بوده است که می‌توان با درس گرفتن از تاریخ و نشان دادن خط درست به نتیجه رسید. بر این اساس می‌توان گفت مولفه‌های تعلیم و تربیت اسلامی عبارتند از:

۲.۳.۱. تعلیم و تربیت صحیح کودکان از ابتدا و قرارداد آنها در مسیر درست دین

از نظر اسلام هرگونه گرایشی به سوی افراط و تفریط به معنای خروج از جاده حقیقت و حقانیت و رهسپاری در بیراهه هبوط و سقوط فردی و اجتماعی است، لذا در همه‌ی حوزه‌ها از جمله سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجراست که تضمین‌کننده منافع عموم باشد و به ایجاد توازن‌های ساختاری در وجوه مختلف نظام سیاسی یاری رساند. بر اساس این یک نظام سیاسی باید در مسیر اعتدال‌گرایی و میانه‌روی حرکت کند و از افراط و تفریط دوری گزیند تا به نظام شایسته اسلامی نزدیک شود. در بحث صلح در آیات قرآن دیدیم که دین اسلام به صلح اهمیت زیادی داده و توصیه‌اش به سلم و آشتی بیش از جنگ و جهاد است. همچنین ایجاد امنیت در جوامع اسلامی از پیامدهای صلح محسوب می‌شود. در صورتی که کودکان از ابتدا در معرض آیات صلح قرار گیرند و لزوم امنیت در جامعه اسلامی برای پیشرفت علمی و عملی تبیین گردد، بنیادگرایی به شکلی دیگر بروز کرده تعالیم الهی در روح و جان آنها نفوذ می‌کند. در حالی که اگر بالعکس از ابتدا به خشونت و جنگ و جهاد بیش از آنچه ضروری جامعه است بها داده شود تبلیغ خشونت شده و استعداد بالقوه در آنها در بزرگسالی بالفعل بروز می‌کند و نتایج فاجعه‌آمیزی به بار می‌آورد. چنانکه دیدیم از عوامل مهم افراط‌گرایی عدم آشنایی با تعالیم اصیل اسلامی بود و این مسأله بر عهده‌ی آموزش و پرورش کشورهای اسلامی است. از جمله این آموزش‌ها باید ایجا روحیه صلح با سایر کشورها حتی کشورهای غیرمسلمان باشد به طوری که باید دانست تا زمانی که غیرمسلمانان تهدیدی محسوب نشوند نمی‌توان با آنها جهاد کرد بلکه باید با آنها در تعامل و صلح زندگی کرد.

۲،۳،۲. آموزش آموزه‌های اسلامی و روش تساهل در تسامح در سیره‌ی ائمه

مطهری یکی از عوامل رشد علمی جامعه مسلمین را همین نوع از «تساهل و تسامح» توسط مسلمانان می‌داند که اجازه می‌داد تا اندیشمندان اهل کتاب به راحتی وارد جامعه اسلامی شوند و مسلمین هم مقدم آنان را گرامی می‌شمردند و لذا در همان عصر اول، معلومات اینها را از ایشان گرفتند و در عصر دوم، خود مسلمین در رأس جامعه علمی، قرار گرفتند. در صدر اسلام سیره‌ی پیامبر نشان می‌دهد از اعمال افراط‌گرا دوری جسته و هیچگاه با غیرمسلمانان و کفار برخورد خارج از قاعده نداشتند مگر در زمان جنگ که خشونت طبیعی است.

اما هنگامی که کفار تهدیدی محسوب نمی‌شوند چه در زمان پیامبر چه پس از آن در سیره‌ی بزرگان نشانه‌های افراط‌گرایی دیده نمی‌شود و در سیره‌ی رضوی می‌بینیم که افراد با دین‌های مختلف به مناظره حاضر می‌شوند و با کمال ادب در صلح و آرامش با هم گفت‌وگو و مباحثه می‌کنند. زندگانی ائمه اطهار علیهم‌السلام پر است از «تساهل و تسامح دینی» چه تسامح و تساهلی بالاتر از اینکه در حکومت علی (ع) در حقوق شهروندی و انسانی هیچ فرقی بین یک مؤمن و یک یهودی وجود ندارد. شمشیر عدالت علی (ع) همان قدر که برای احقاق حقوق یک شهروند مؤمن و مسلمان و شیعه برآن است، درست، همان مقدار برای گرفتن حق یک شهروند یهودی به کار گرفته می‌شود. غیرمسلمانان در حکومت علی (ع) با آسایش تمام زندگی می‌کنند و در مواقع لزوم، علی (ع) را به محکمه می‌کشاند و پیروز از محکمه خارج می‌شوند، بدون اینکه کمترین ترسی به خود راه بدهند.

۲،۳،۳. آشنایی با تعالیم عرفانی و مثبت‌اندیشی و محبت به غیر

عرفان اسلامی با تکیه بر بنیاد فکری توحیدی و باور به خالقیت خداوند یکتا مهمترین گام را در تنظیم روابط انسان‌ها برداشته است. در این جهان‌بینی، وحدت و اساس نگرش انسان به جهان است. باور به این مسأله روابط انسان را در زندگی فردی و اجتماعی به عمل بر مقتضای آن سوق می‌دهد. وحدت به تعبیری نقطه‌ی شروع و نقطه‌ی پایانی است که تمام حیطه‌های کارکرد آدمی و همچنین گرایش‌های او را در عرصه‌های گوناگون هدایت می‌کند. به همین دلیل می‌تواند نقشی مهم در جلوگیری از بروز جنگ و خشونت داشته باشد. با توجه به این امر، عرفان اسلامی راهنمای سالکانی است که بر مبنای کرامت انسانی گام برداشته و به ندای وحدت گوش سپرده‌اند. بر این اساس متن مقدس نیز فلسفه سیاسی خود را بر مبنای حفظ صلح و سلم طراحی کرده است و پیروانش را به دارالسلام فرا می‌خواند «والله یدعوا الی السلام و یهدی من یشاء الی صراط مستقیم» و خداوند به سرای صلح و سلامت دعوت می‌کند و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. بنا بر تعالیم عرفانی چنان چه در جامعه‌ای روابط انسان‌ها بر پایه‌ی تعالیم وحدت تنظیم شود بسیاری از جنگ و ستیزها پیش نخواهد آمد. مگر آن که به جای ایده‌ی توحید محوری نفسانیات انسانی وارد شود و خود محوری مبنای ارتباطات انسانی قرار گیرد. در این صورت آدمیان از هدف بودن به وسیله تبدیل می‌شوند و برای رسیدن به اهداف دیگران بکار گرفته می‌شوند.

۲,۳,۴. برجسته کردن حوادث تلخ تاریخی که در اثر افراط‌گرایی اتفاق افتاده است

در طول تاریخ مذهبی، جنگ‌های بسیاری اتفاق افتاده که زیرساخت فکری آنها تعصبات بی‌جا بوده است، چنانکه خوارج را که از گروه‌های نص‌گرای افراطی هستند در برابر امام علی می‌بینیم. غیر از آن در دوره حمله‌ی مغول بسیاری از صدمات در شهرها ناشی از اختلاف داخلی شیعه و سنی و افراط‌گرایی آنها و اختلاف بر سر مسایل مذهبی بوده است. اینگونه حقایق تاریخی اگر به همراه شرح علل و عوامل آن و آثارش در کلی تاریخ گنجانده شود می‌تواند در جلوگیری از رشد عوامل افراط‌گری مؤثر واقع شود.

۲,۳,۵. عدم سخت‌گیری حکومت‌های اسلامی در احکام دینی

از تفسیر مطهری اینگونه می‌توان برداشت کرد که حوزه «تساهل و تسامح» دینی، تکالیف دینی می‌باشد بنابراین بحثی درون دینی است نه بیرون دینی، لذا در جایی که تکلیف الهی بر بندگان وجود ندارد بحث از این نوع «تساهل و تسامح» دینی بی‌معناست. معنای «تساهل و تسامح» دینی آن است که در امر دینداری می‌توان در مواردی، به حداقل‌های دینی که کمترین مشقت را برای دینداران در پی داشته باشد بسنده کرد و مردم را در رعایت حداکثرها اجبار نمود زیرا خداوند هم از عموم بندگان همان حداقل‌ها (واجبات) را خواسته و رعایت حداکثرها (مستحبات) را به بندگان خاص واگذار کرده است. حداقل نماز که همان صورت ظاهری نماز است و حداقل روزه که همان به جا نیاوردن مبطلات ظاهری روزه است برای رفع تکلیف نزد خداوند کفایت می‌کند و باقی تکالیف دینی نیز چنین است. در صورت ایجاد تساهل در دین، روحیه افراط‌گری در جامعه پدید نمی‌آید و برخی افراد که تحت تأثیر فرامین و قوانین بلائقض حکومت اسلامی قرار دارند وقتی با ایجاد تساهل از سوی حکومت، پشتوانه‌ای نداشته نداشته باشند امکان برخورد‌های فیزیکی با مخالفان را پیدا نمی‌کنند.

۲,۳,۶. گرایش کشورهای اسلامی به مؤلفه‌هایی چون وحدت، عشق، نوع دوستی

ایجاد سازمانی که در برابر گروه‌های افراطی قد علم کند و با عضوگیری و ایجاد تشکیلات قوی، در تمام دنیا صلح و دوستی و نظریه یکی بودن همه‌ی انسانها را ارائه دهد در دراز مدت می‌تواند از نفوذ سلفی‌گری بکاهد. در دنیای کنونی، هر فرقه‌ای دارای دسته و گروه‌هایی است که غیر از خود دیگری را قبول ندارد و این چند پارگی موجب عدم وحدت و گسیختن جامعه اسلامی شده است. جمع کردن همه‌ی نیروهای مسلمان در یک تشکل قوی بدون در نظر گرفتن اختلافات مذهبی می‌تواند بمب‌بازی تأثیرگذار باشد در برابر گروهک‌های سلفی حتی گروه بزرگی مانند داعش که اعضای آن افراد بی‌سواد و بدون مطالعه و بدون اعتقاد خاصی هستند که کورکورانه به دستورات بنیادگرایان عمل می‌کنند. ۲,۳,۷. ایجاد تمایل در نسل جوان برای مطالعه در زمینه‌های مختلف و شناخت همه‌جانبه نسبت به دین و سیاست

در حال حاضر نسل جوان از مطالعه فاصله گرفته بیشتر تحت‌تأثیر دنیای مجازی و اخبار غیرواقعی قرار دارند از سویی مسایل اقتصادی و روانی دوره‌ی معاصر اثر منفی بر جوانان گذاشته، و مطالعه، تحقیق و تدقیق در دین را از آنها گرفته است. مهمترین کار حکومت اسلامی این است که بتواند با حل بسیاری از معضلات موجود، میان مردم و کتاب آشتی ایجاد کند به ویژه با پر رنگ نمودن نقش صلح و دوستی در اسلام و آموزش هدف ادیان، از پیوستن جوانان به این نوع گروه‌ها جلوگیری کند.

۳. نتیجه

برای پاسخ به پرسش‌ها، طبق متدولوژی کیفی تحلیلی، عملکرد افراط‌گرایان مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص شد اغلب فرقه‌های افراط‌گرا دارای روش‌های یکسانی در تعامل با سایرین هستند. افراط‌گرایی امروزی در دنیا بیشتر معلول سیاست‌های قدرت‌طلبانه است که از آن پشتیبانی می‌کند نه دین‌مداری محض. نقش تعلیم و تربیت اسلامی در آنجا مشخص می‌شود که اگر افراد تحت تأثیر تعالیم قرآن و سیره ائمه قرار بگیرند فریب فرقه‌های کذایی را نخورده و طبق تعالیم الهی که کیس بودن مؤمن و دانش همه جانبه را تأکید می‌کند، به تفکر شوم ابر قدرت‌ها نیز آشنا شده با سنجیدن جوانب امر، در دام آنها نمی‌افتند در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراط‌گرایی دینی مقوله‌ای تازه نیست و مربوط به یک دین خاص هم نیست. از ابتدای پیدایش ادیان، همواره کژنگری‌ها و کژبینی‌ها در دین انحراف ایجاد کرده است.

پدیده‌ی نص‌نگری و بنیادگرایی، در میان عده‌ای از مسیحیان، یهودیان و مسلمانان، یکی از دلایل مهم پدید آمدن فرقه‌های افراط‌گراست. یهود با مراجعه به کتاب مقدس، خود را از همه اقوام برتر دانسته برای رسیدن به سرزمین موعود با سایر ملل درگیر شده که نتیجه‌اش جنگ‌های متعدد در طول تاریخ و سرانجام اشغال فلسطین و پدیداری دولت صهیونیستی است. مسیحیان با وجود رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان در هنگام فتح اندلس و پس از آن، با نص‌گرایی و حاکم کردن کلیسا دوره‌ی تاریک هزار ساله قرون وسطی را پدید آوردند. نتیجه حاکمیت کلیسا برای دنیای غرب، خروج از تعادل و رویگردانی از علم و دانش و تسلط کامل پاپ بود. این تفکر معلول یک تحریف تاریخی بزرگ است مبنی بر این که یهود میوه ممنوعه‌ای که خدا انسان را از آن منع کرده، علم دانسته است. این تفکر در دین مسیحی نیز که طرفدارانش از میان یهود بودند رسوخ کرده موجب این شد که کلیسا به کلی علم و دانش را هدف قرار دهد. در این دوره دانشمندان مورد تهاجم و قتل واقع شدند و اروپا در جهل و تاریکی باقی ماند. در قرون پنج و ششم هجری که کشورهای اسلامی دارای شکوفایی علمی بودند با درگرفتن جنگ‌های صلیبی و آشنایی اروپائیان با اسلام، متوجه شدند که کلیسا و پاپ موجب عقب ماندن آنها از قافله علم شده‌اند.

مارتین لوتر در این زمان آغازگر نهضتی بود که منجر به کنار گذاشتن کلیسا و به حاشیه بردن دین شد. از این پس، اروپا راه رشد را پیمود و در دین دچار رکود شد. از آن سو در سرزمین‌های اسلامی طوفان مغول بر پا شد و با سوزاندن کتابخانه‌ها و کشتار دانشمندان و خرابی شهرها موجبات رکود دانش را در این کشورها فراهم کرد. این رویه با رواج صوفی‌گری ادامه پیدا کرد و روحیه‌ی انزوا و کناره‌گیری از دنیا و افکار انحرافی به سرعت رشد کرد. نتیجه این وقایع این بود که در دوره‌ی قاجار آشنایی ایرانیان با دنیای غرب و پیشرفت‌های مهم آن این توهم را ایجاد کرد که عامل پسرفت ایرانیان دین است. این وقایع در طول دوران‌ها پدید آمد و در ارتباط با دنیای غرب و قدرت گرفتن برخی کشورها، جریان‌ات افراطی را موجب شد که از دست رفتن دین را بهانه‌ای برای بازگشت به نص و بنیادگرایی بدانند. در این پژوهش چنانکه در متن نشان دادیم از صدر اسلام، کم و بیش جریان‌های نص‌گرایی و بنیاد گرا وجود داشته و پیوسته جنگ‌های افراد فرقه‌های مختلف اعم از شیعه و سنی و جنگ ادیان به طور پراکنده به وقوع پیوسته است اما در دوره‌های اخیر این حوادث بیشتر جلوه می‌کند که از دلایل مهم آن می‌توان به وجود ابرقدرت‌ها اشاره کرد. پیدایش طالبان در افغانستان و حمایت پشت پرده دول غربی از آن نشانگر توطئه استکبار جهانی برای خشن جلوه دادن به ویژه دین اسلام بوده و از این طریق اهداف خود را در کشورهای اسلامی پیاده کرده‌اند. جنبش‌هایی چون القاعده در سوریه و داعش در ترکیه و بسیاری جنبش‌های کوچک و بزرگ که از آنها یاد شد اغلب تحت‌تأثیر سیاست‌های برون‌مرزی بوده که اعضای پایین دست از وجود آن بی‌خبر و تنها با توجه به عقاید قلبی خود به آن گرویده‌اند. این افراد به دلیل ایمان قوی به کاری که انجام می‌دهند انعطاف‌پذیر نبوده هر جنایتی را نسبت به کسانی که تشخیص الحاد بدهند انجام می‌دهند و به ثواب اخروی آن معتقدند. در برابر این افراط‌گرایی، با مراجعه به نص صریح قرآن، توصیه به مسالمت و دوستی را به وضوح در آیات قرآن مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم که در کنار آیات جهاد که در شرایط خاصی نازل شده آیات صلح هم در شرایط عادی و زمانی که سرزمین اسلامی مورد حمله واقع نشده وجود دارد. سیره‌ی ائمه و فرمایشات امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز چنین نشان می‌دهد که اسلام دین خشونت و تفتیش عقاید نیست بلکه به مراعات دوستی و حقوق سایر مردم سفارش کرده است. فتوحات اولیه در سرزمین‌های غیراسلامی نیز این رویه را تایید می‌کند. در سیره‌ی مذهبی ائمه نیز امام صادق (ع) و امام رضا (ع) را می‌بینیم که کلاس درس و بحث داشته با افراد مخالف به مناظره و بحث منطقی می‌پرداختند و بدون تنش با هم صحبت می‌کردند. در سیره و کلام هیچ یک از اهل بیت کلامی مبنی بر تهاجم به مخالفان و تشکیل گروه‌های جهادی وجود ندارد مگر در مواردی که سرزمین اسلامی مورد هجوم واقع شده باشد.

با توجه به این موضوع، راه رسیدن به صلح دوستی و دوری از افراط‌گرایی، توجه به تربیت و اصلاح کودکان از ابتدا و دور کردن آنها از تفکرات متحجرانه است به طوری که متوجه زمان و مکان گردیده هر آیه جهادی را مطابق با روز نپندارند. تحجرگرایی ریشه افراط است و فاصله گرفتن از این تفکر را در کودکی می‌توان در مدارس آموزش داد. مذهب و فرهنگ مذهبی یکی از عوامل پیشگیری از ورود فرهنگ مصرفی و غرب‌گرایی است. آگاهی افراد مذهبی از مسایل اقتصاد جهانی و روش‌های جذب سرمایه‌داری می‌تواند عامل مهمی در گرایش به دیدگاه معتدل باشد.

با تبیین نقش ابرقدرت‌ها در جنبش‌های اخیر خاورمیانه و پشتیبانی از سوی آنها به سادگی می‌توان فهمید اقتصاد دنیا بستگی فراوانی به درگیری‌های منطقه دارد از سویی فروش تسلیحات که عمدتاً در این کشورها تولید می‌شود موجب رونق اقتصادی است و از سوی دیگر با خشن جلوه‌دادن دین و مذهب و روگردانی دینی، فرهنگ غربی وارد کشورها شده بازار داغ اقتصادی را به ارمغان می‌آورد.

یکی از روش‌های کارآمد در آموزش صلح و دوستی، گرایش به عرفان است. در تفکر عرفانی با گرایش به وحدت وجود و یکی دانستن همه کائنات، می‌توانیم به همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار همه مردم که ذره‌ای از وجود خدا هستند دست یابیم. این باور که هر چه در دنیا هست از خدا جدا نیست و تحت لوای او قرار دارد، یکی بودن و محبت به هم‌نوع را به دنبال دارد. در عرفان چه از نوع اسلامی و چه از نوع بودایی‌اش سلم و دوستی با کائنات، سریان عشق در همه موجودات از تفکرات پایه‌ای است و به خودی خود مهر و الفت را در دل پدید می‌آورد.

منابع

- آقابابایی، ح. (۱۳۹۰). *نسبی‌گرایی حقوق بشر و افراط‌گرایی مذهبی*. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۱)، ۱۸۳-۲۰۵.
- انصاری‌پور، م. (۱۳۸۶). *اسلام سیاسی: زمینه‌ها و پیشگامان*. متین، ۱(۳۵)، ۵-۲۸.
- ایمان، م. ت. و نوشادی، م. ر. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی*. عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳(۲)، ۱۵-۴۴.
- کاوه، ع. ا. (۱۳۹۳). *تلاش برای ماندن، افراط‌گرایی دینی در جهان امروز*. زمینه، ۱(۱)، ۱۵-۱۸.
- Cox, C., & Marks, J. (2003). *The 'West', Islam and Islamism: is ideological Islam compatible with liberal democracy?* Civitas/Inst for the Study of.
- Hsieh, H. F., & Shannon, S. E. (2005). *Three approaches to qualitative content analysis*. Qualitative health research, 15(9), 1277-1288.
- Nasr, S. V. R. (2000). *The rise of Sunni militancy in Pakistan: The changing role of Islamism and the Ulama in society and politics*. Modern Asian Studies, 34(1), 139-180.
- Rashid, A. (2000). *Taliban: Islam, oil and the new great game in Central Asia*. IB Tauris.
- Warnk, H. (2009). *Alternative education or teaching radicalism? New literature on Islamic education in Southeast Asia*. Journal of Current Southeast Asian Affairs, 28(4), 111-132.
- Wilkinson, D., & Birmingham, P. (2003). *Using research instruments: A guide for researchers*. Psychology Press.